

«هیدن» با نور و سکوت وارد اصفهان شد

نمایش تئاتری «هیدن» از پنجشنبه، دوم مرداد به نویسندگی «ریحانه رضی» و «کوروش شاهونه»، با طراحی و کارگردانی کوروش شاهونه در سالن اصلی فرشتچیان اصفهان آغاز می‌شود. این نمایش با بیش از ۶۰۰ اجرای موفق در تهران و مشهد اکنون فرصتی برای اصفهانی‌ها است تا در عمق یک تجربه رازگون درباره حقیقت پنهان شرکت کنند.

به گزارش ایمن‌ا اجرا «هیدن» از پنجشنبه دوم مرداد تا جمعه دهم مرداد در سالن اصلی مجموعه فرهنگی فرشتچیان برگزار می‌شود. سانس‌ها در دو نوبت هر شب ۱۸۳۰ و ۲۰۳۰ و در برخی روزها حتی سه سانس هستند تا تماشاگران بیشتری بتوانند در آن شرکت کنند.بلیت‌ها از طریق سایت گیشه ۸ عرضه شده و پیش‌فروش فعال است. برای تماشای اثری که داستانش حول محور «انسان‌هایی که حقیقت را کتمان می‌کنند» می‌چرخد توصیه می‌شود به موقع بلیت تهیه شود.مجمعت فرشتچیان در کنار بل آذر، ابتدای خیابان توحید اصفهان قرار دارد. برای دسترسی، می‌توان از حمل‌ونقل عمومی یا تاکسی استفاده کرد. زیرا این مکان جاذبه‌ای معتبر برای تئاتر و فرهنگ در استان اصفهان محسوب می‌شود.«هیدن» با محوریت جمله نمادین «انسان‌های بیبایی که حقیقت را کتمان می‌کنند ناپی‌نا هستند»، مخاطب را در فضایی تاریک و خلوت رها کرده تا در سکوت، چراغی نوشتاری و نورهای محیطی، نقش‌هایی پنهان را کشف کند. این روایت، مخاطب را وا می‌دارد به پرسش درباره واقعیت‌هایی که جلوی چشم‌اند، اما به عمد کمربنگ یا مخفی شده‌اند.عوامل و تیم اجرایی شامل نویسنده کارگردان: کوروش شاهونه،نویسنده:ریحانه رضی،تهیه‌کنندگان:سجادافشاریان، کامران کریمی،دستیار کارگردان و بازیگر: علیرضا کریمی، مدیر تولید: علی اکباتانی، طراح صحنه: کوروش شاهونه،طراح لباس: ریحانه رضی، آهنگساز /طراح صدای:نوید دیوان، طراحی مولتی‌مدیا: کوروش شاهونه، گروه کارگردانی: لوبولفل زارعی، محمد موسوی، مدیر صحنه: کمال حسینی هستند. طبق بازخورد ویدیویی‌های پخش شده و انتشار آن‌ها در صفحات اینستاگرام رسمی اجرایی، این نسخه از «هیدن» توانسته به واسطه طراحی صحنه مینیمال و نورپردازی تأمل‌برانگیز، فضایی رازگستر خلق کند که مخاطب را به کشف‌های شخصی دعوت می‌کند.

رمانی از شمس لنگرودی در راه است

رمانی از محمد شمس لنگرودی با عنوان «می‌روم به کنسرت برسم» در راه انتشار است.به گزارش ایسنا، نشر افق با اعلام این خبر درباره این رمان آورده است: در «می‌روم به کنسرت برسم»، جدیدترین اثر شمس لنگرودی، شاعر، نویسنده،منتقد و خبرنگور شهیر ایران، خواننده با جهان هفتی نوسنده‌ای مواجه می‌شود که در دل آن‌رو، به دنبال معنای زندگی، رهایی، و درکی نو از مرگ و هستی است.شمس لنگرودی در جدیدترین رمان خود، خواننده را به هزارنویی در درونیات راوی، حدس و گمان، تاریکی، انزوا، ترس، بی‌آیندگی، و حجم بی‌پایانی از راز و رمز می‌برد.در دل یک انبیری تاریک، خاک‌گرفته و شلوغ، از میان صداها و بوی‌ها و خاطرات کودکی، روایت شکل می‌گیرد و پازلی آرام‌آرام در ذهن خواننده کامل می‌شود. آن هم با پائانی نکان‌دهندهدر دل مولونگ‌هایی نرم و تاریک،به لایه‌لای تصویرهایی بر صدا و بو، رازی باورنکردنی نفس می‌کشد.مردانخان، راوی گوشه‌گیر داستان، در زیرزمین خانه پنهان شده و از آدم‌ها، نور و حتی از صیای زندگی فاصله گرفته؛ نه فقط به‌خاطر ترس از مرگ، که انگاز ترس از داوری، از یادآوری.

تمدید مهلت ارسال آثار به سه مسابقه‌ادبی

مهلت ارسال آثار به مسابقات ادبی «جمعیت نیات»، «به نام وطن» و «به نام ایران» تا پنجم مرداد ۱۴۰۴ تمدید شد. به گزارش ایرنا از خانه کتاب و ادبیات ایران، به دلیل استقبال گسترده و درخواست‌های مکرر مخاطبان، مهلت ارسال آثار به سه مسابقه «جمعیت نیات»، «به نام وطن» و «به نام ایران» تا پایان روز یکشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۴ تمدید شد.نخستین دوره مسابقه شعر و روایت‌نویسی «جمعیت نیات» با موضوع آیین‌های بومی محلی محرم برگزار می‌شود. این مسابقه در دو بخش شعر (قابلی‌های کلاسیک و نو، حداکثر سه اثر) و روایت داستانی (بین ۲ تا ۵ هزار کلمه) پذیرای آثار علاقمندان است. این نشانی برای ثبت‌نام و ارسال آثار در نظر گرفته شده است.مسابقه روایت‌نویسی «به نام وطن» نیز با هدف گبر بازتاب تجربه‌های واقعی و انسانی از جنگ ۱۲ روزه تحمیلی برگزار می‌شود. آثار اسرالی باید بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشند و روایتی منسجم و تأثیر گذار ارائه دهند.

{ فرهنگ و هنر }

سیاوش گلشیری در گفتگو با «اصفهان امروز» مطرح کرد:

از گذشته طلایی ادبیات اصفهان تا چالش‌های امروز



سیاوش گلشیری، نویسنده و مدرس دانشگاه از چهره‌های شناخته‌شده ادبیات معاصر است. او که برادرزاده زنده‌یاد هوشنگ گلشیری، نویسنده پیشرو و تأثیرگذار ادبیات داستانی ایران است، مسیر نویسندگی را با زبان و نگاهی مستقل دنبال کرده است.

سیاوش گلشیری دانش‌آموخته دکتری پژوهش هنر است و تاکنون رمان «همام بندها را بریدندام»، مجموعه‌داستان «مثل کسی که از یادام می‌رود» و کتاب «اصفهان، بیست و سه داستان» را منتشر کرده است.او این روزها مجموعه‌داستان نازلی با عنوان «آندوه سوگواران» را در دست چاپ دارد.در گفت‌وگویی که پیش‌رو دارید، با او درباره تجربه نویسندگی، نسبتش با ادبیات اصفهان، و نگاهش به داستان امروز به گفت‌وگو نشستیم.

کا به عنوان منتقد، چه چیزی در یک اثر باعث می‌شود که شما آن را فاخر بدانید؟

یک رمان یا داستان، در گام اول باید بتواند هر مخاطبی را جذب کند. در مرحله بعد مسئله نوآوری مطرح می‌شود و همین‌طور هستسگی میان عناصر مضمون، فرم، تکنیک و قواعد ساختاری. اگر این شرایط برقرار باشد، می‌توانیم اثری ارائه کنیم که علاوه بر جذب مخاطب عام، لایه‌های متعددی برای ارتباط با مخاطب خاص ایجاد کند. چنین اثری باید آن‌قدر کشش داشته باشد که حتی چند بار خوانده شود. وقتی از «بدعت» صحبت می‌کنیم، منظور این است که به سنت ادبیات داستانی هم توجه کنیم. آثار ماندگار اغلب مفاهیم تکراری را با زوگو می‌کنند، اما این پرسش مهم مطرح است که چه ویژگی باعث می‌شود اثری با وجود مضمون تکراری، جاودان بماند؟ این پرسشی است که در نقد ادبی و فلسفه هنر در پی پاسخ به آن هستند.

نکته دیگر این است که گاهی اثری در زمان خودش چندان مهم تلقی نمی‌شود، اما در دوره‌های بعد اهمیت می‌یابد. برای نمونه، «بوف کور» در زمان حیات نویسنده چندان مورد توجه نبود اما امروز به عنوان مهم‌ترین و مدرن‌ترین اثر ادبیات داستانی ایران شناخته می‌شود. از اینجا به این نکته می‌رسم که این یک وظیفه برای هنرمند است.

من اعتقادی ندارم که هنر باید الزاما در خدمت اخلاق باشد، هر چند اخلاق اهمیت ویژه‌ای دارد. اما این دستمزدی را خیلی مهم نمی‌انم. مهم این است که هنرمند مضامین را چگونه بیان می‌کند و آیا جلوتر از زمانه خود حرکت می‌کند یا نه.اگر چنین باشد، اثری خلق خواهد شد که در زمانه‌های بعدی هم خوانده می‌شود و با وجود فاصله زمانی، مخاطب با آن ارتباط برقرار می‌کند. به نظر من، همه این عناصرشامل فرم، مضمون و محتوا در کنار هم همان «بدعت» و «نوآوری» را می‌سازند و هنرمند باید تلاش کند جلوتر از زمان خود باشد.طبق صحبت خودتان که گفتید هنرمند باید با همه مخاطبانش ارتباط برقرار کند، اما می‌بینیم کتاب‌هایی که فاخر شناخته می‌شوند یا در جشنواره‌ها انتخاب می‌شوند،فقط می‌توانند توجه حقیف خاصی از خوانندگان را جلب کنند.

نظر شما در این مورد چیست و آیا این قابل اصلاح است؟اصلا قرار نیست که این موضوع «اصلاح» شود. وقتی آثار یک نویسنده یا هنرمند را بررسی می‌کنیم، ممکن است او در یک اثر خاص، فرم و زبان را با پیچیدگی‌های بیشتری به کار گرفته باشد. برای مثال، آقای هوشنگ گلشیری اثری دارند (معصوم پنجم) که در میان آثارشان مهجور مانده، چون ترن آن یادآور نویسندهان قرن ششم و هفتم هجری است و دقیقا همان ویژگی‌ها و ظرافت‌ها را دارد. طبیعی است که چنین اثری نمی‌تواند به کسانی که از ادبیات کلاسیک بی‌اطلاع‌اند، بپردازتی ارتباط برقرار کند.حتی وقتی ما آثار کلاسیکی مثل عطار، سعدی یا حافظ را می‌خوانیم، ممکن است ارتباطمان کامل نباشد. با وجود این، اثر حافظ در فرهنگ ما بسیار حاضر است؛ در مراسم‌ها، شب یلدا یا سال نو. با این حال، هر کسی تنها به اندازه درک و دانش خودش می‌تواند این شعرها را تفسیر کند.

کا شما از خانواده‌ای ادبی پرورش پیدا کرده‌اید. این موضوع چه مسئولیت یا فشاری برایتان داشته است؟

مسئولیت، قطعا سنگین است. من نمی‌توانم هر متنی را بنویسم، چون همیشه این انتقاد مطرح می‌شود که «چره خانواده گلشیری» هستم و اثرم باید در‌خور باشد. بارها هم گفته شده که من «نام هوشنگ گلشیری را یدک می‌کشم». این حرف‌ها همیشه هست، اما در نهایت هر کسی باید روی پای خودش بایستد. درست است که در این زمینه مسئولیت خاصی وجود دارد، ولی بالاخره هر کسی مسیر خودش را پیدا می‌کند. شاید در ابتدای کار، این نسبت خانوادگی به من کمک کرد، اما از جایی به بعد، خودم بودم

و هستم و مسئولیت کارهایم با خودم است. در کلاس‌هایم هم همین‌طور است. من دیدگاه خودم را دارم، البته این حرف‌ها گاهی آزاردهنده هم هست، چراکه سال‌هاست که در اصفهان کلاس‌های متعددی برگزار کردم؛ جلسات آموزش داستان‌نویسی و همین‌طور جلسات کتاب‌خوانی. به گمانم از سال ۹۰ به این سو و در جاهای مختلف، از دانشگاه و فرهنگسراها گرفته تا شهر کتاب‌ها و… هدف من هم در همه این جلسات، پرورش مخاطب و ترویج کتاب‌خوانی بوده است. اصلا گام این است که کتاب‌خوان حرفه‌ای تربیت کنم. معتمد تربیت کتاب‌خوان حرفه‌ای به نتایج بهتری منجر می‌شود، چون اگر فردی کتاب‌خوان حرفه‌ای باشد، می‌تواند نویسنده، منتقد، فیلم‌نامه‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس خوبی شود یا حتی وارد حوزه‌های دیگر مثل سینما شود، چون متن را می‌شناسد.

کا از نظر شما مهم‌ترین چالش یک نویسنده تازه‌کار در مسیر نشر کتاب چیست؟
نمی‌توانیم انکار کنیم که فرهنگ و هنر ما از شرایط اقتصادی جدا نیست. متأسفانه همه این مسائل به هم وابسته‌اند و به‌ویژه در سال‌های اخیر، اتفاقاتی که در حوزه نشر افتاده، این موضوع را پیچیده‌تر کرده است. ناشران، مخصوصا در زمینه چاپ داستان‌های ایرانی، به هر کسی اعتماد نمی‌کنند.ناشران برجسته معمولا با نویسندگان شناخته‌شده کار می‌کنند و سایر ناشران هزینه چاپ را از خود نویسنده دریافت می‌کنند. بنابراین اگر کسی نخواهد به‌صورت حرفه‌ای وارد این حوزه شود، بهتران راه این است که فردی شناخته‌شده باشد، در جشنواره‌های داستان‌نویسی مثلا برگزیده شده باشد، در این حوزه سابقه فعالیت داشته باشد تا ناشر بتواند به او اعتماد کند.همچنین، کسانی که در کارگاه‌های آموزش داستان‌نویسی شرکت می‌کنند، اگر استاد تشخیص بدهد که کار هنرجو خوب است، حتما در مسیر چاپ به او کمک خواهد کرد. می‌تواند او را به مجلات داستان‌نویسی معرفی کند و در نهایت هم به ناشر.

این مسیر معمولا یک فرآیند طولانی است و ممکن است هفت تا ده سال زمان ببرد تا فرد به مرحله حرفه‌ای شدن برسد. نویسنده باید به‌تدریج پیش برود، کارهایش را ارتقا دهد و خودش را ثابت کند. **کا جایگاه نقد ادبی مستقل را در فضای کشور چطور می‌بینید؟**
متأسفانه از دهه هشتاد به بعد، جایگاه نقد ادبی به‌تدریج تحلیل رفته است. ما به سمتی رفتیم‌که هر بداندش‌نویسی را منتقد می‌نامیم، در حالی که واقعا این‌طور نیست.در دهه شصت و هفتاد، با حضور افرادی مثل هوشنگ گلشیری، رضا براهنی و دیگران، فضای نقد بویا و جدی بود. حتی آقای گلشیری گفته بودند «در ستایش شعر سکوت» را زمانی نوشتیم که متوجه شدم باید جای آن نقدی را که نیستند، پر کنم. این نشان می‌دهد که در آن دوره، خود نویسندگان بار سنگین نقد جدی را به دوش می‌کشیدند.اما با تغییر شرایط و گسترش فضای اینترنت، امروز با یادداشت کسانی روبه‌رو هستیم که از نظر علمی صلاحیت نقد ندارند. چیزی که از یک منتقد انتظار می‌رود، آگاهی و دانش علمی است. البته من تحصیلات آکادمیک صرف ا م‌لاک نمی‌دانم؛ آنچه امروز در این فضا می‌بینیم، بیشتر به «نان قرض دادن» و مجیز‌گویی شباهت دارد. افراد سعی می‌کنند از یک حلقه به حلقه بزرگ‌تری وصل شوند.

این وضعیت باعث شده جای نقد اصولی و علمی خالی بماند. نقد دانش ویژه‌ای می‌طلبد که فقط به ادبیات یا هنر محدود نیست؛ بلکه به جامعه‌شناسی، فلسفه، روان‌شناسی و دیگر حوزه‌ها هم نیاز دارد. متأسفانه حتی قهرمان مالک رسمی پلاک ۱۰۷ – اصلی مبنی بر اینکه تمامی خانه ها و دکانها و باغها و قرقها از مورد ثبت وی مستثنی و متعلق به متصرفین می باشد. ۱۴۰۲/۰۲/۱۴ آقای محمد محمدی چگماوی فرزند ۲ – رأی شماره ۱۴۰۲۰۲۰۱۵۰۰۴۰۱ مورخ ۱۴۰۴۰۲/۰۲/۱۴ آقای کرملی دوستی فرزند عبدالله نسبت به ۱/۵ دکان مشاع از شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۱۰.۸۹ مترمربع مفروز از پلاک ۱۰۷ – اصلی واقع در زرین شهر بخش ۹ ثبت اصفهان (با توجه به اظهار و اقرار آقای ابوالفتح قهرمان مالک رسمی پلاک ۱۰۷ – اصلی مبنی بر اینکه تمامی خانه ها و دکانها و باغها و قرقها از مورد ثبت وی مستثنی و متعلق به متصرفین میباشد). ۱۴۰۲/۰۲/۲۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۱ آقای محمد محمدی چگماوی فرزند حبیب‌الله نسبت به ۳ دانگ مشاع از شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۱۰.۸۹ مترمربع مفروز از پلاک ۱۰۷ – اصلی واقع در زرین شهر بخش ۹ ثبت اصفهان (با توجه به اظهار و اقرار آقای ابوالفتح قهرمان مالک رسمی پلاک ۱۰۷ – اصلی مبنی بر اینکه تمامی خانه ها و دکانها و باغها و قرقها از مورد ثبت وی مستثنی و متعلق به متصرفین می باشد). تاریخ انتشار نوبت اول: روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۵۰ مصطفی شمس – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک لتجان ۱۹۵۹۹۲/۱۱ ام اف

فضای دانشگاه‌های ادبیات هم به پرورش منتقد منجر نمی‌شود. در نهایت، نقد به فضای پویایی نیاز دارد، اما ما در فضایی قرار گرفتیم‌که بیشتر به پایه دبستان و روابط شخصی است. **کا به نظر شما داستان‌نویسی در اصفهان چه ویژگی‌ها یا ضعف‌هایی دارد؟**
فضای اصفهان، فضایی بسیار متفاوت است. در دهه چهل افرادی در این زمینه فعالیت کردند که جریان‌ساز بودند. نمی‌توانم اسم ببرم، چون برای همه آشنا هستند. من به سفارش نشر نیلوفر، کتابی با عنوان «کتاب اصفهان» گردآوری کردم که در آن داستان‌های متعددی از جمال‌زاده تا نویسندگان جوان امروز وجود دارد. اصفهان شهری است که محفل‌ها و فضاهای ادبیات داستانی دارد و نسبت به بسیاری از شهرها متفاوت عمل می‌کند.اگرچه شاید این فضاها اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد اما پیگیرانه پیش می‌روند. یکی از نقاط ضعف این جلسات، مسئله «باند و باندبازی» است که البته در همه جا دیده می‌شود و تا حدی طبیعی است. نکته مهم این است که ببینیم این محفل‌ها چقدر می‌توانند مؤثر باشند. جلسات ادبی زمانی پویا محسوب می‌شوند که خروجی داشته باشند، و این خروجی فقط تربیت نویسنده نیست. ممکن است فردی در حوزه نقد موفق شود یا حتی کتاب‌خوان حرفه‌ای شود و وارد حوزه‌های دیگری گردد. یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که وارد است، نداشتن یک رویکرد مشخص است؛ رویکردی که بتواند با آن افراد را تربیت کرد. خود هم رشد کنی و چه اهدافی را دنبال کنی.

پیش می‌روند. یکی از نقاط ضعف این جلسات، مسئله «باند و باندبازی» است که البته در همه جا دیده می‌شود و تا حدی طبیعی است. نکته مهم این است که ببینیم این محفل‌ها چقدر می‌توانند مؤثر باشند. جلسات ادبی زمانی پویا محسوب می‌شوند که خروجی داشته باشند، و این خروجی فقط تربیت نویسنده نیست. ممکن است فردی در حوزه نقد موفق شود یا حتی کتاب‌خوان حرفه‌ای شود و وارد حوزه‌های دیگری گردد. یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که وارد است، نداشتن یک رویکرد مشخص است؛ رویکردی که بتواند با آن افراد را تربیت کرد. خود هم رشد کنی و چه اهدافی را دنبال کنی. متأسفانه بسیاری از این دوره‌های ما بیشتر جنبه نمایشی دارند و این باعث شده از اهداف اصلی فاصله بگیرند.من از سال ۱۳۹۰ به‌صورت حرفه‌ای در اصفهان کار می‌کنم. چنگ‌ها، انجمن‌ها و آدم‌هایی را دیدم که می‌آیند و می‌روند و افراد جدید جایگزین آن‌ها می‌شوند. واقعیت این است که صحبت کردن در این مورد سخت است؛ چون طبیعتا من از منظر خودم به مسئله نگاه می‌کنم. با این حال، نسبت به بسیاری از شهرها، چنگ‌ها و انجمن‌های اصفهان اثرگذارتر هستند. البته در این مسیر، بسیار اهمیت دارد که این فضاها به چه سمتی حرکت کنند و چه اهدافی را دنبال کنند.

کا شما در رمان و داستان کوتاه تجربه دارید. چه تفاوت‌هایی در روایت این دو قالب می‌بینید؟

در داستان کوتاه یا یک محور کلی مواجه هستیم. معمولا یک شخصیت کلانوی وجود دارد و یک بحران اصلی. برخلاف رمان، در داستان کوتاه تعدد شخصیت‌ها، صحنه‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها را نداریم. آبن پیو می‌گوید داستان کوتاه باید ظرفیت شنیدن یا خواندن در یک نشست را داشته باشد. در رمان، محورها متعدد می‌شوند و دیگر با یک محور اصلی روبه‌رو نیستیم. تعدد زمان، مکان و شخصیت‌ها از ویژگی‌های رمان است. رمان ما نسبت به داستان کوتاه ضعف بیشتری دارد و به همان اندازه، ممکن نبوده است. نویسندگانی هستند که هم رمان نوشته‌اند و هم داستان کوتاه، اما تعداد کسانی که در هر دو قالب شاخص باشند، اندک است. برای نوشتن رمان، نویسنده باید نگاهی صیقلی و منطقی به پدیده‌های پیرامون داشته باشد. همچنین، رمان با معمولا ترجمه‌پذیر نیست، اما داستان کوتاه به دلیل حجم کم و ویژگی‌هایش، قابلیت ترجمه و انتشار در خارج از کشور را دارد. در این سال‌ها مجموعه‌های داستان کوتاه ایرانی به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها منتشر شده‌اند و مخاطبان خاص خود را یافته‌اند.

از آیا نویسندگان ما باید مخاطب جهانی را هم در نظر بگیرند؟

ما باید به دنبال خلق اثری باشیم که بتواند با آثار منتشرشده در خارج از ایران رقابت کنند و از همه مهم‌تر،

دغدغه‌های امروزی و جهانی داشته باشند. متأسفانه نگاه نوستالژیک به گذشته چاره‌بخشی و چه شخصی باعث شده در همان گذشته غرق شویم و نتوانیم نگاهی جهانی پیدا کنیم.برای مثال، موضوع جنگ را باید از زاویه‌های بینیم که بتوانیم اثری خلق کنیم که در هر جای دنیا فهمیده و ترجمه شود. رمان ما اغلب «ترجمه‌پذیر» نیست؛ و این فقط به معنای تبدیل زبان نیست، بلکه به معنای پرداختن به مسائل بینافرهنگی و بازیابی آن‌ها در اثر ادبی است. مثلا سینمای کلاسیک غربی ویژگی‌ای داشت که آن را برای مخاطبان مختلف در ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون قابل فهم و ارتباط‌پذیر می‌کرد. با وجود کارهای خاص و شخصی اش، انارش در جشنواره‌ها پذیرفته می‌شد و تماشاگران از فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف می‌توانستند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

کا در خلق شخصیت‌ها چقدر به تجربه شخصی یا محیط شهری تکیه می‌کنید؟
وقتی به نویسندگان مهم نگاه می‌کنیم، مثل داستایفسکی، می‌بینیم تجربیات عجیب و گاه بسیار سختی داشته است. مثلا تجربه سیاسی‌اش یا باعث شد به زن‌ان راه پیدا کند و به سبیری تبعید شود. پیش از آن هم قرار بود در یک اعدام ساختگی اعدام شود. او با بیماری صرع دست‌وپنجه نرم کرد و همچنین اعتیاد شدیدی به قمار داشت. همین موضوعات را در آثارش می‌بینیم. بنابراین ما نمی‌توانیم زندگی نویسنده را از کارش جدا کنیم. این مسئله حتی در مورد هر نوع هنرمندی صادق است؛ اینکه در چه مرحله‌ای از زندگی یا چه وضعیت فکری و روحی (مثلا افسردگی) هستند، در آثارشان نمود پیدا می‌کند. حتی ممکن است نویسنده ناخودآگاه ندان‌دردش را به شخصیت داستانش منتقل کند بدون اینکه خودش بداند. این رابطه کاملا جانشدنی است. اما آن بخشی از تجربه که به اثر هنری وارد می‌شود، باید آگاهانه باشد.

این نکته بسیار مهم است، چون اگر آگاهانه نباشد، نویسنده متوجه می‌شود که در همه آثارش فقط خودش را تکثیر کرده و هیچ شخصیت متفاوتی خلق نکرده است. برای مثال، اگر به پرنس میشکین در «پله»، ایوان کارامزوف یا راسکولنیکوف در «جنایت و مکافات» نگاه کنیم، می‌بینیم که با وجود بازتاب دغدغه‌های شخصی و سیر تحولی فکری داستایفسکی، هر کدام از این شخصیت‌ها مستقل، منحصر به فرد و دارای جهان خاص خودشان هستند.

کا آیا بخواهید سه یک نویسنده تازه‌کار داستان‌نویس دو توصیه‌ای کنید، چه می‌گویید؟
در ابتدای کار، مهم‌ترین توصیه من «خواندن» است؛ خواندن ادبیات داستانی و شناخت سیر تحول نویسندگان مختلف از گذشته تا امروز. این مطالعه باید برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند باشد، نه پراکنده و سطحی. خواننده حرفه‌ای وقتی متنی را تمام می‌کند و سراغ کتاب بعدی می‌رود، باید بداند دنبال چه چیزی است و چرا آن کتاب را انتخاب کرده است. همین موضوع درباره فیلم‌دین هم صدق می‌کند. بنابراین در مطالعه، باید بر اساس یک فرآیند و یا یک هدف مشخص پیش برویم. این اولین و مهم‌ترین نکته است. نکته بعدی این است که ما به عنوان نویسنده و هنرمند از فضای پیرامونمان تأثیر می‌گیریم، اما پرسش این است: آیا از آن «تغذیه» هم می‌شویم؟ منظور از تغذیه، میزان آشنایی ما با ادبیات جهان، فلسفه، روان‌شناسی و شناخت شرایط پیرامون خودمان است. در قرن امروز، آگاهی از زمانه خودمان اهمیت زیادی دارد. جدا از مطالعات در حوزه تاریخ، هنر و ادبیات، به مطالعات دیگری هم نیاز داریم که ما را تغذیه کنند، ما را وادار به اندیشیدن کنند و باعث شوند با پرسش‌های اساسی روبه‌رو شویم.

ضمنا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت هر گاه راجع به ملک مورد تقاضا ثبت بین تقاضا کننده ودیگری قبل از انتشار اولین آگهی نوبتی دعوائی اقاله شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوی یا تقاضا کننده است باید از تاریخ نشر اولین آگهی نوبتی تا ۹۰ روز تصدیق دادگاه را مشعر به جریان دعوی به اداره ثبت تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد و همچنین طبق ماده ۸۶ آیین قانون ثبت معترض یا معترضین بایستی ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود به مرجع ثبتی ، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی مربوط به تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تسلیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد و به صرف تحویل اعتراض به اداره ثبت پرونده متوقف نخواهد شد. تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳ مصطفی امان اله پهاوند – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دورود

ضمنا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت هر گاه راجع به ملک مورد تقاضا ثبت بین تقاضا کننده ودیگری قبل از انتشار اولین آگهی نوبتی دعوائی اقاله شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوی یا تقاضا کننده است باید از تاریخ نشر اولین آگهی نوبتی تا ۹۰ روز تصدیق دادگاه را مشعر به جریان دعوی به اداره ثبت تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد و همچنین طبق ماده ۸۶ آیین قانون ثبت معترض یا معترضین بایستی ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود به مرجع ثبتی ، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی مربوط به تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تسلیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد و به صرف تحویل اعتراض به اداره ثبت پرونده متوقف نخواهد شد. تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳ مصطفی امان اله پهاوند – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دورود

{ اصفهان امروز }

آغاز رسمی ارسال آثار برای اسکار ۲۰۲۵

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا ثبت‌نام فیلم‌ها برای نودوهشتمین دوره جوایز اسکار را آغاز کرد و از استودیوها و تهیه‌کنندگان خواست تا آثار خود را با رعایت مهلت و قوانین جدید ارسال کنند.

به گزارش ایسنا، آکادمی علوم و هنرهای سینمایی (AMPAS) پورتال ارسال آثار برای جوایز اسکار را فعال کرده و اکنون تهیه‌کنندگان و استودیوها می‌توانند آثار خود را مستقیما در «تاق نمایش آکادمی» بارگذاری و ارسال کنند. استودیوها و فیلم‌سازان اکنون می‌توانند فرآیند ثبت‌نام برای نودوهشتمین دوره جوایز اسکار را آغاز کنند.طبق اعلام آکادمی، فیلم‌هایی که بین اول ژانویه تا ۳۰ ژوئن (۱۱ دی ماه ۱۴۰۲ تا ۹ تیرماه ۱۴۰۳) اکران شده‌اند باید تا ساعت ۵ بعدازظهر چهارشنبه ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور) ارسال شوند. فیلم‌هایی که بین اول جولای تا ۳۱ دسامبر (۱۰ تیرماه تا ۱۰ دی) به نمایش درآمدند تا پنج‌شنبه ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان) ساعت ۵ بعدازظهر مهلت ارسال دارند.برای تکمیل فرم ورود عمومی یا ثبت فیلم بلند، آکادمی باید هم فرم امضاشده ثبت اثر برای اسکار و هم نسخه‌ای از فهرست کامل عوامل فیلم تا زمان تعیین‌شده دریافت کنند.از اسال، همه تهیه‌کنندگان دارای اعتبار رسمی و هر کسی که نام او با عنوان «تهیه‌کننده» در تیزرآر آمده است، باید فرم عمومی ثبت اثر را امضا کنند. این الزام جدید برای اطمینان از آگاهی همه افراد از معیارهای صلاحیت و مشخص شدن دریافت‌کنندگان نهایی جایزه است.علاوه بر شاخه بهترین فیلم، برای شاخه‌های دیگر نیز قوانین و مهلت ارسال جداگانه‌ای وجود دارد که شامل: انیمیشن بلند، انیمیشن کوتاه، مستند بلند، مستند کوتاه، فیلم بین‌المللی، فیلم کوتاه‌داستانی، موسیقی متن اصلی، ترانه‌آه‌صلى و مجموعه‌ای ویژه می‌شود.هم‌زمان با باز شدن پرتیجره ثبت‌نام اسکار، فصل جشنواره‌های پاییزی نیز در راه است. جشنواره تورنتو اعلام کرده که میزبان اولین نمایش جهانی فیلم‌های مهمی خواهد بود؛ از جمله «شانس خوب» از عزیز نصاری محصول لائوتیک که اولین تجربه کارگردانی اوست، فیلم «ابدیت» به کارگردانی دیوید فرین، فیلم «زورنگ» که به کارگردانی جیمز وندربلیت و فیلم «کریستی» ساخته دیوید میشاد.

عرضه آثار سینمایی و تئاتری در یک پلتفرم شبکه خانگی

فعالیت بخش «گاه‌نو» در پلتفرم سینا با عرضه چهار فیلم سینمایی و یک فیلم تئاتر آغاز شد. به گزارش مهر، بخش «گاه‌نو» در نظر دارد فیلم‌هایی از فیلمسازان هنرنویز، مجرب، مستقل و کار آلی‌ها را در دسترس مخاطبان قرار دهد.فعالیت این بخش با ارائه فیلم‌های سینمایی «شین»، «هوسنده مرده است»، «گرگی»، «دوربرگردون» و فیلم‌تئاتر «ملاقات‌کننده» شروع می‌شود.فیلم سینمایی «شین» به کارگردانی میثم کزازی است که در آن جمشید هاشمپور، شهاب حسینی، محمود پاک‌نیت، غزال نظر، انثر تقی‌پور، حسین عبدالنبی، محمود بصیری، غلامرضا توکی، سیامک اطلسی، خرنالدین صدیق‌شریف، علی شامان، فریدون رحمت، مهدی بجستانی و ناهید مسلمی ایفای نقش کرده‌اند.فیلم سینمایی «گرگی» به کارگردانی پیام اسکندری است که شهاب حسینی، حسین اسکندری، شیرین آقاخان‌نای، مهدی بجستانی، بهناز جعفری، غزال نظر، دلسا ملکی، تینا اسدی و آریا شهبازی بازیگران آن هستند.فیلم سینمایی «دوربرگردون» به کارگردانی عارفه عنایتی است و شهرام ابراهیمی، غزال نظر، باران زمانی و آیلین شهبازی بازیگران این اثر هستند.فیلم‌تئاتر «ملاقات‌کننده» نیز به کارگردانی شهاب حسینی و احمد ساعتچیان عرضه شده است. این نمایش سال ۱۳۹۱ با بازی شهاب حسینی، احمد ساعتچیان، مهدی بجستانی و فراقک حیدریان روی صحنه رفته است.

«تو حرفات به حبه قند بنداز» روی صحنه می‌رود

نمایش درام خانوادگی، عاشقانه و معمایی «تو حرفات به حبه قند بنداز» این هفته روی صحنه می‌رود. به گزارش خبرآنلاین، نمایش درام خانوادگی، عاشقانه و معمایی «تو حرفات به حبه بنداز» به نویسندگی و کارگردانی نیما نعمتی‌زاده و به کارگردانی فرید دیوید پور، از چهارشنبه آغاز می‌شود. ساعت ۱۹:۳۰ اجرای خود را در تماشخانه می‌اجاز می‌کند. نمایش در مدت زمان ۷۰ دقیقه تا ۲۷ تارماده امسال روی صحنه خواهد بود. این نمایش با نام پیشین «وِی ای پل یعنی زندگی زیباست» به سبب خارج بودن یا مخالفت مرکز هنرهای نمایشی مواجه و دچار تغییر شد. «تو حرفات به حبه قند بنداز» با بازی نیما نعمتی‌زاده و اوید بزرگی در شرایطی روی صحنه می‌رود که قرار بود پیش از جنگ دوازده روزه اخیر، پذیرای تماشاگران باشد. اما در نهایت اجرای آن به چهارشنبه یکم مرداد ساعت هفت و نیم شب موکول شد.

ضمنا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت هر گاه راجع به ملک مورد تقاضا ثبت بین تقاضا کننده ودیگری قبل از انتشار اولین آگهی نوبتی دعوائی اقاله شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوی یا تقاضا کننده است باید از تاریخ نشر اولین آگهی نوبتی تا ۹۰ روز تصدیق دادگاه را مشعر به جریان دعوی به اداره ثبت تسلیم نماید والا حق او ساقط خواهد شد و همچنین طبق ماده ۸۶ آیین قانون ثبت معترض یا معترضین بایستی ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود به مرجع ثبتی ، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی مربوط به تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تسلیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد و به صرف تحویل اعتراض به اداره ثبت پرونده متوقف نخواهد شد. تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳ مصطفی امان اله پهاوند – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دورود